

There's gotta be something wrong with him

اون به احتمال زیاد یه چیزیش هست

Nice

در رابطه با افراد یعنی مهربون و مودب

Be nice

مودب باش

Hump

قوز

He has a hump

کمرش قوز داره

Hair piece

کلاه گیس

Does he have a hump and a hairpiece?

آیا اون قوز و کلاه گیس داره؟

Go through something

شرایط سختی رو تجربه کردن

I went through a lot

شرایط سخت زیادی رو متحمل شدم

Sound like

به نظر رسیدن

He sounds like a stingy man.

به نظر مرد خسیسی میاد.

Ring

در مورد تلفن یعنی زنگ زدن

My phone started to ring

تلفنم شروع کرد به زنگ خوردن

I figured That ...

فکر کردم که

انتظار داتشم که

I figured that I'd better answer the phone.

فکر کردم بهتره تلفن رو جواب بدم

Turn out to

وقتی میخوایم راجع به ماهیت چیزی حرف بزنیم

He turned out to be a liar

او دروغگو از آب در آمد

Reach

رسیدن ، اینکه دستمون به چیزی برسه

We reached a big city.

به یک شهر بزرگ رسیدیم

I can't reach the button

دستم به دکمه نمیرسه

Throat

گلو

I feel like someone reached down my throat

حس می کنم یکی دست کرده تو گلو

Grab

با سرعت و خشونت چیزی رو گرفتن ، قاپیدن

A thief grabbed my bag

یه دزد کیفم رو قاپید

Tie

گره زدن

Tie the rope around his hands

طناب رو دور دستاش گره بزن

Cleanse

تمیز کردن ، تطهیر کردن

The nurse cleansed the wound before she bandages it.

پرستار زخم رو کاملا تمیز کرد قبل از اینکه اونو بانداز کنه

Aura

احساسی که راجع به چیزی وجود داره

هاله نوری که دور چیزی وجود داره

There's an aura of sadness about him.

یه حس و حال غمی راجع به اون هست

Murky

تاره و تاریک

The river was murky after storm.

آب رودخانه بعد از طوفان تاریک و تیره بود

To hell with someone

عبارتی محاوره ای برای اینکه نشون بدیم به کسی یا چیزی برامون اهمیتی نداره و مهم نیست

To hell with her. She left me.

گور باباش ، اون منو ترک کرد.

Keep doing something

چیزی رو به دفعات زیاد انجام دادن

You keep coming late. You might get fired.

مرتب دیر میای ، ممکنه اخراج بشی

Fixate

روی چیزی متمرکز شدن

You need to fixate on your goals

باید روی رسیدن به اهداف متمرکز بشی

Out load

گفتن چیزی با صدای بلند

You don't have to say this outload

لازم نیست با صدای بلند این حرف رو بزنی

Seem to

به نظر رسیدن

They seemed to take it pretty well

بنظر میرسه اونها با این قضیه کنار و اومدن و پذیرفتنش

Take something well

چیزی رو پذیرفتن و باهانش کنار اومدن

They seem to take it pretty well

بنظر میرسه اونا براحتی با قضیه کنار اومدن

Hysterical

همراه با عصبانیت احساساتی مثل هیجان ، ترسو و ...

Calm down you're getting hysterical.

اروم باش داری عصبی میشی

Wrong number

شماره اشتباه

Sorry. It's a wrong number

ببخشید اشتباه گرفتم

Sob

هق هق کردن ، گریه آرام

I found him sobbing.

اونو در حال هق هق پیدا کردم

To be hurting

از لحاظ عاطفی احساس ناراحتی و درد داشتن

He's hurting after their break up

بعد از جداییشون احساس غم و اندوره می کنه